

(۱۹۸۴)، کروت و همکاران (۱۹۹۸) بنا شده است تغییرات قیمت متغیرهای ورودی به تغییرات نرخ بیکاری تعادلی منجر می‌شود و دستمزد تعادلی بصورت زیر بیان می‌شود:

$$\log w = \log b + e + \frac{e \cdot d}{[1 - a(u)](1 - d)} \quad (1)$$

که در آن W دستمزد، b سطح مزایای بیکاری، e میزان فعالیت حین کار (که با توجه به تکنولوژی در نظر گرفته شده است)، d ترک موقعیت و فعالیت شغلی، u نرخ بیکاری و $a(u)$ احتمال پیدا کردن شغل توسط یک فرد بیکار است. با توجه به معادله (۱) دستمزد تعادلی به ارزش درآمدهایی که ناشی از کار کردن نیستند، سطح تلاش حین کار، احتمال پیدا کردن شغل توسط افراد بیکار و نرخ تشخیص از دست دادن کار بستگی دارد. شاپیرو و استیگلitz^۱ (۱۹۸۴) مطلوبیت فردی را با تابع $u(w, e)$ بیان می‌کنند و نشان می‌دهند که (با فرض در نظر گرفتن تابع مطلوبیت تفکیک‌پذیر و نیروی کار ریسک خنثی و با برخی نرمال‌سازی‌های مناسب) تابع مطلوبیت می‌تواند بصورت $u = \log w - e$ نوشته شود. زمانی که فرد بیکار است $e = 0$ بوده و وی مزایای بیکاری دریافت می‌کند. متقابلاً زمانی که مشغول به کار می‌شود شاپیرو و استیگلitz (۱۹۸۴) فرض می‌کنند که شاغلان حداقل تلاش را می‌کنند ($e = 0$) یا در سطح مثبت مشخصی کار می‌کنند ($e > 0$). در این صورت، مطلوبیت فردی $u = \log w - e$ با افزایش اختلاف بین w و e بالاتر خواهد بود. بنابراین شاغلین انگیزه عدول از کار دارند. در صورتی که ترک موقعیت شغلی موفقیت‌آمیز باشد افراد از سطح مطلوبیت بالاتری بهره‌مند خواهند شد ($u = \log w$) که این سطح مطلوبیت بالاتر از زمانی است که به کار خود ادامه می‌دهند و سطح معینی از کار را انجام می‌دهند. با اینحال با احتمال $1 - d$ ممکن است فرد شاغل به کار خود ادامه ندهد که در اینصورت کار خود را از دست می‌دهد و بیکار می‌شود. بنابراین فرد عزل شده باید کار دیگری با احتمال $a(u)$ شغل پیدا کند. مطابق با مطالعه شاپیرو و استیگلitz (۱۹۸۴) شاغلان می‌توانند میزان فعالیت خود را انتخاب کنند یعنی می‌توانند تصمیم بگیرند کار را ترک کنند و سطح